

بررسی و تبیین قلمرو قانونی و مصادیق تادیب والدین: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و نظام‌های بین‌المللی

اسماعیل جعفری (دانشجو دکتری، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران)

Orcid: <https://orcid.org/0009-0000-6321-0568> esmailjafari14031@gmail.com

نادر پورارشاد (استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران)

Orcid: <https://orcid.org/0000-0002-3673-1863> naderpuorarshad@gmail.com

مریم نقدی دورباطی (استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران)

naghdi707@gmail.com Orcid: <https://orcid.org/0000-0003-1336-9678>

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل محدوده قانونی و مصادیق مجاز تأدیب والدین در ایران و تطابق آن با نظام‌های حقوقی بین‌المللی است. این مطالعه با رویکردی توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای، به گردآوری داده‌ها پرداخته و یافته‌های آن نشان می‌دهد که در حقوق ایران، قوانین مجازاتی مانند ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی به والدین اختیار تنبیه محدود برای تربیت فرزندان می‌دهد، اما به دلیل ابهام در معیارهای «حد متعارف» و «مصلحت کودک»، تفسیرهای مختلفی از این حدود مجاز صورت می‌گیرد. این ابهامات در مواردی ممکن است منجر به تجاوز به حقوق کودک و نقض استانداردهای حقوق بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک شود. نتایج پژوهش نشان داد که اگرچه تأدیب والدین از حقوق آنان برای تربیت فرزند است، این حق باید با اصول کرامت انسانی و حفظ حقوق کودکان محدود شود. این پژوهش همچنین تأکید بر نیازمندی به بازنگری و شفاف‌سازی قوانین داخلی برای جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات والدین و حمایت بیشتر از حقوق کودکان دارد.

کلیدواژه‌ها: تأدیب والدین، حقوق کودک، قانون مجازات اسلامی، کنوانسیون حقوق کودک، تنبیه متعارف

مقدمه

موضوع تأدیب والدین و سرپرستان قانونی در حقوق ایران و تطابق آن با قوانین بین‌المللی از جمله مباحثی است که پیوندی مستقیم با حقوق کودک و حقوق خانواده دارد. تأدیب والدین به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های تربیتی و اخلاقی در تربیت فرزندان، در نظام‌های حقوقی گوناگون با تفسیرها و محدودیت‌های متفاوتی همراه است. در حقوق ایران، برخی از قوانین همچون ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی و مواد مختلف در قانون مدنی به والدین اختیاراتی در تربیت فرزندان داده‌اند؛ اختیاراتی که، با اتکا به مفاهیم «حد متعارف» و «مصلحت کودک»، فضایی گسترده برای تفسیرهای قضایی و اجرایی فراهم می‌آورد (فرامرزی و احمدی، ۱۳۹۵). یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، فقدان تعریف روشن از «حد متعارف» و معیارهای روشن برای تشخیص تأدیب مجاز از بدرفتاری است. این خلأ قانونی باعث شده تا رویه قضایی ناهماهنگی در این زمینه وجود داشته باشد و برخی قضات تأدیب‌های شدید را در پوشش تربیت مجاز می‌دانند. در مقابل، در کشورهای غربی، این مرزها به وضوح مشخص شده و بسیاری از اشکال تنبیه بدنی غیرقانونی اعلام شده است.

در مقابل، اصول بین‌المللی در زمینه حقوق کودک که در اسناد معتبری همچون کنوانسیون حقوق کودک به تفصیل بیان شده‌اند، با نگاه دقیق‌تر و چارچوب‌های محدودتری به موضوع برخورد کرده و محدودیت‌هایی جدی در زمینه تأدیب بدنی یا روش‌های تنبیهی مشابه ایجاد می‌کنند.

با این حال، نظام‌های حقوقی مختلف محدودیت‌های متفاوتی را برای تأدیب والدین قائل می‌شوند. در بسیاری از کشورهای غربی هرگونه تنبیه بدنی کودک غیرقانونی تلقی می‌شود، در حالی که در برخی از کشورهای اسلامی تنبیه در چارچوب خاصی مجاز است. این تفاوت‌های حقوقی نشان می‌دهد که بررسی تطبیقی این موضوع می‌تواند به شناخت بهتر وضعیت حقوقی ایران و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین کمک کند.

این تفاوت‌ها، به ویژه پس از الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک، زمینه‌ای برای تضاد در برداشت‌ها و تفسیرهای مختلف از اختیارات والدین فراهم آورده است. این تضاد در سیستم حقوقی داخلی ایران به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: دیدگاه موسع که والدین را در اجرای تأدیب و تربیت فرزندان آزادتر می‌داند و دیدگاه مضیق که معتقد است اختیارات والدین باید با چارچوب‌های حقوق کودک و محدودیت‌های دقیق‌تر منطبق شود (نوبخت و قلفی، ۱۴۰۱). بر این اساس، موضوع پژوهش حاضر بر بستر این پرسش شکل گرفته است که آیا می‌توان به‌گونه‌ای مرزهای مشخصی برای تأدیب مجاز و نامجاز تعریف کرد که، ضمن حفظ نقش تربیتی والدین، از حقوق اساسی و امنیت جسمانی و روانی کودک نیز حفاظت کند؟

مسئله اصلی این پژوهش در واقع چالش‌های ناشی از تفسیرهای متفاوت از قوانین داخلی و بین‌المللی درباره قلمرو تأدیب والدین است. از یک‌سو، والدین به عنوان نخستین نهاد تربیتی کودک، نیازمند اختیاراتی برای اعمال روش‌های اصلاحی و تنبیهی هستند که رفتارهای ناپسند کودک را به سوی مسیری سازنده هدایت کنند؛ از سوی دیگر، حقوق کودک ایجاب می‌کند که این اقدامات در چارچوب‌هایی مشخص و با رعایت کامل کرامت انسانی و مصلحت کودک صورت گیرد (صفایی، ۱۴۰۰). این مقاله با رویکردی تطبیقی و با تمرکز بر تحلیل قوانین ایران و تطبیق آن‌ها با استانداردهای بین‌المللی و قوانین کشورهای اسلامی و غربی، سعی دارد ضمن بررسی دیدگاه‌های موسع و مضیق در این زمینه، مرزهای حقوقی و فقهی مربوط به اختیارات والدین در تأدیب فرزندان را مشخص کند.

در نهایت، هدف پژوهش، بررسی دقیق قوانین تطبیقی و استخراج راهکارهای اصلاحی است تا مشخص شود که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از تجربیات کشورهای مختلف، قوانین ایران را به‌گونه‌ای تنظیم کرد که ضمن حفظ نقش تربیتی والدین، از سوءاستفاده‌های احتمالی و کودک‌آزاری جلوگیری شود. همچنین، یافتن تعادلی میان نیازهای تربیتی والدین و حقوق کودک است تا از یک‌سو والدین را در مسیر تربیت موثر یاری دهد و از سوی دیگر به تضمین حقوق کودک و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از اختیارات قانونی والدین منجر شود. به همین منظور، این مقاله با بررسی دقیق قوانین و ارائه راهکارهای اصلاحی، تلاش می‌کند تا چارچوب‌هایی منسجم و متناسب با معیارهای بین‌المللی برای تأدیب والدین و مراجع قانونی تعریف کند.

پیشینه پژوهش

برهانی (۱۳۹۰) در مقاله‌اش به محدودیت‌های قانونی و فقهی تنبیه بدنی اطفال پرداخته و شرایط خاصی برای مجاز بودن تنبیه ذکر کرده است، مانند سن کودک، نوع تخلف، و عدم آسیب بدنی. این مطالعه به‌طور خاص به موارد فقهی و قانونی در ایران پرداخته، اما هیچ اشاره‌ای به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی که می‌تواند بر اجرای این قوانین تأثیر بگذارد، ندارد. در این راستا، صانعی (۱۳۹۸) نیز به بررسی فقهی قلمرو تعزیر و تأدیب کودک پرداخته است، اما تحلیل او بیشتر بر اصول فقهی و نه بر روابط میان کودک و والدین یا تأثیرات روان‌شناختی تنبیه متمرکز است.

مطالعات دیگری مانند کارهای شاملی و اکبری (۱۳۹۰) و نوبخت و قلفی (۱۴۰۱) بیشتر به تحلیل شرایط اجرایی و محدودیت‌های حقوقی و فقهی این موضوع پرداخته‌اند. به‌ویژه، نوبخت و قلفی (۱۴۰۱) بر تدابیر پیشگیرانه از تنبیه بدنی تأکید کرده‌اند، که در این زمینه پژوهش‌های بیشتری در خصوص پیشگیری از خشونت علیه کودکان لازم است. این رویکرد بیشتر از جنبه‌های قانونی و فقهی به موضوع نگاه کرده است، و در حالی که مفاهیم حقوقی مهمی را مطرح می‌کند، از تحلیل رفتارهای اجتماعی و فرهنگی کودکان و والدین غافل است.

علاوه بر این، بسیاری از پژوهش‌های پیشین به ابعاد فقهی و قانونی تنبیه بدنی کودکان پرداخته‌اند، اما ارتباط این قوانین با اصول روان‌شناختی تربیتی به‌طور جامع مورد توجه قرار نگرفته است. در این زمینه، فرامرزی و احمدی (۱۳۹۵) به بررسی تأدیب و تنبیه دانش‌آموزان پرداخته‌اند، اما بیشتر بر قوانینی که در مدارس باید رعایت شود تمرکز کرده‌اند و از تأثیرات روان‌شناختی و تربیتی روش‌های مختلف تأدیب در محیط‌های آموزشی غافل مانده‌اند.

در سطح بین‌المللی، مطالعات بسیاری اثرات ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان را بررسی کرده‌اند. دورانت (۱۹۹۹) در تحقیق خود در مورد ممنوعیت تنبیه بدنی در سوئد نشان داد که پس از اجرای این قانون، میزان خشونت خانگی علیه کودکان کاهش یافته و والدین به استفاده از روش‌های فرزندپروری جایگزین روی آورده‌اند. همچنین دورانت و انسوم (۲۰۱۲) در یک مطالعه مروری ۲۰ سال تحقیق در مورد پیامدهای تنبیه بدنی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تنبیه بدنی با پیامدهای منفی مانند افزایش پرخاشگری در کودکان، کاهش سلامت روان و ضعف مهارت‌های اجتماعی همراه است.

علاوه بر این، گریش و همکاران (۲۰۱۶) در یک مطالعه مقایسه‌ای دریافتند که کشورهایی که قوانین سختگیرانه‌تری در مورد تأدیب والدین دارند، میزان کمتری کودک‌آزاری و خشونت خانگی دارند. نتایج این مطالعات حاکی از آن است که اصلاح قوانین و حذف تنبیه بدنی می‌تواند منجر به کاهش خشونت علیه کودکان و افزایش روش‌های تربیتی غیرخشونت‌آمیز شود. در این بین، منابعی همچون میرمانی (۱۳۸۶) و باقری و غلامزاده (۱۳۹۹) که به آموزش و روش‌های تربیتی کودکان پرداخته‌اند، نگاهی عملی‌تر به تربیت فرزندان دارند، اما هنوز هم مسائل حقوقی و فقهی و چگونگی تعامل آنها با روش‌های تربیتی مورد بحث قرار نگرفته‌اند.

شاملی و اکبری (۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی حدود و ثغور تنبیه، تعزیر و تأدیب کودک در فقه امامیه» بیان کرده‌اند که فقه امامیه به‌طور کلی تنبیه کودک را ممنوع نکرده، بلکه تحت شرایط خاص، این ممنوعیت برداشته شده است. در حالی که اکثر فقها تنبیه بدنی کودک را در چارچوب تعزیر و تأدیب قرار داده‌اند، این دو عنوان در موارد خاص به تفکیک آمده‌اند. مقاله تأکید دارد که تفکیک این دو عنوان از نظر ضوابط، شرایط و لوازم آن اهمیت دارد زیرا تفاوت‌های عملی زیادی در پی دارد. همچنین، این تحقیق اشاره کرده که فقها به‌طور مفصل به مسائل مرتبط با شرایط تنبیه بدنی کودک، از جمله افراد مجاز به تنبیه و کیفیت آن، نپرداخته‌اند. این مقاله صرفاً از منظر فقهی به موضوع نگاه کرده، در حالی که پژوهش‌های بعدی نیاز به بررسی همزمان جنبه‌های فقهی و حقوقی موضوع دارند و علاوه بر آن، بایستی به موضوعاتی چون تأدیب و محافظت از کودکان و مجازین از منظر عرف، شرع و قوانین پرداخته شود، که در این مقاله به آنها توجه نشده است.

زرگوش‌نسب و جلیلیان (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان «تنبیه کودک به منظور تربیت و تأدیب از منظر احادیث» به تحلیل احادیث مرتبط با تنبیه کودک پرداخته‌اند. آنها احادیث را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: یک دسته احادیث بر عدم مشروعیت تنبیه کودک دلالت دارند، در حالی که دسته دیگر بر جواز و مشروعیت آن تأکید دارند. این مقاله به بررسی دلالت‌های این دو دسته احادیث و راه‌حلی برای تعارض میان آنها پرداخته است. طبق مفاهیم احادیث پیامبر (ص) و معصومین (ع)، تأکید شده که تنبیه نباید به شخصیت کودک آسیب برساند و باید در محیطی سالم و تربیتی مناسب انجام شود. در عین حال، مقاله به لزوم اتخاذ روش‌های تربیتی مناسب با وضعیت روحی و عاطفی کودکان در جوامع معاصر، با توجه به پیچیدگی‌های اجتماعی و افزایش بزهکاری، اشاره دارد. تفاوت این پژوهش با تحقیق مدنظر ما در این است که این مقاله تنها به احادیث پرداخته و از منظر فقهی و حقوقی موضوع را بررسی نکرده است. در حالی که تحقیق ما علاوه بر رویکرد فقهی، به تحلیل جنبه‌های حقوقی و قانونی، از جمله بررسی ماده ۱۵۸ قانون مدنی، خواهد پرداخت. همچنین، این تحقیق به‌طور اختصاصی به صغار و مجازین اشاره نکرده و بحث‌هایی مانند علل موجهه جرم، نقش عرف و سایر ابعاد حقوقی در آن مغفول مانده است، در حالی که این مسائل در پژوهش ما به‌طور مفصل بررسی خواهند شد.

حسینی‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهش خود اظهار می‌دارد که بر اساس متون فقهی و روایات اسلامی، اصل تنبیه و تأدیب کودک برای تربیت او جایز دانسته شده و بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت به این امر فتوا داده‌اند. اما این اجازه تنها به پدر، پدربزرگ، جد پدری و حاکم شرع داده شده و درباره معلم و مؤدب کودک، برخی آن را مطلق و برخی مشروط به اذن پدر یا حاکم شرع دانسته‌اند.

همچنین، سن تنبیه‌پذیری کودک نیز مورد بحث قرار گرفته است، به‌طوری‌که برخی روایات سن هفت، نه یا ده سالگی را به‌عنوان زمانی که کودک توانایی تشخیص خوب و بد را پیدا می‌کند، مناسب برای تنبیه دانسته‌اند. از سوی دیگر، میزان و کیفیت تنبیه باید محدود باشد و از خشونت بیش از حد، آسیب به نقاط حساس بدن یا ایجاد جراحت و کبودی جلوگیری شود. با این حال، از دیدگاه اخلاقی و تربیتی، روایات متعددی بر مهربانی، مدارا و عفو کودک تأکید دارند و تنبیه تنها زمانی جایز شمرده شده که هیچ راه دیگری برای اصلاح رفتار کودک وجود نداشته باشد. معصومان (ع) در سیره تربیتی خود، روش‌هایی مانند محبت، نصیحت و مدارا را بر تنبیه بدنی مقدم دانسته‌اند. در مواردی که تنبیه ضروری به نظر می‌رسد، باید مراحل مختلف آن رعایت شود، به این معنا که ابتدا با روش‌های ملایم‌تر مانند نصیحت، قهر یا تغییر چهره شروع شود و در نهایت در صورت لزوم، تنبیه بدنی به میزان محدود و متناسب با جرم کودک اعمال گردد. هدف از تأدیب کودک، اصلاح و پرورش اوست، نه تشفی خاطر والدین یا مریبان، و هرگونه خشونت غیرضروری از دیدگاه اسلامی مذموم شمرده شده است.

در گذشته، موافقان بیشتری برای تنبیه وجود داشتند، اما امروزه مخالفت با آن افزایش یافته است. برخی از روانشناسان بر این باورند که تنبیه، به‌ویژه تنبیه بدنی، دارای اثرات منفی است و کارایی لازم را ندارد، اما بسیاری از محققان نیز معتقدند که در شرایط خاص، تنبیه می‌تواند نقش اصلاحی و بازدارنده داشته باشد. به‌ویژه در مواقعی که رفتار کودک خطرناک است و نیاز به توقف فوری دارد، تنبیه سریع‌تر و مؤثرتر از روش‌های دیگر عمل می‌کند. با این حال، میزان، شدت و نحوه اجرای تنبیه اهمیت زیادی دارد و نباید منجر به آسیب جسمی یا روحی شود. بسیاری از روانشناسان مانند گیج، برلینی، گاتری و جان لیانز معتقدند که اگر تنبیه به‌درستی اجرا شود، می‌تواند رفتار نامطلوب را کاهش داده یا از بین ببرد. برخی روانشناسان نیز بر این باورند که تنبیه بدنی در موارد نادر، مانند حفظ امنیت کودک یا دیگران، قابل قبول است. همچنین، روش‌هایی مانند حذف پاداش یا جایگزینی رفتار مطلوب نیز به‌عنوان راه‌های جایگزین پیشنهاد شده‌اند. در نهایت، گرچه تنبیه نباید به‌عنوان روش اصلی تربیت استفاده شود، اما در شرایط خاص، می‌تواند به‌عنوان ابزاری تربیتی به‌کار رود، مشروط بر آنکه با اصول صحیح و به دور از خشونت اجرا شود.

شاملی و همکاران (۱۳۹۰) فقه امامیه تنبیه کودک را به‌طور کلی ممنوع نکرده است، بلکه در شرایط خاصی آن را استثنا کرده است. با این حال، عنوان اولیه برای تنبیه، حرمت است و تنها در مواردی خاص که ضرورت اقتضا کند، جایز شمرده می‌شود. دو عنوان اصلی که تحت آن‌ها تنبیه کودک مورد بررسی قرار می‌گیرد، تعزیر و تأدیب است. اگرچه بسیاری از فقها میان این دو مفهوم تفاوتی قائل نشده‌اند، اما از آنجا که در برخی موارد خاص به این تفکیک اشاره کرده‌اند، بررسی تفاوت‌های آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. تعزیر معمولاً به عنوان مجازاتی برای اصلاح و بازدارندگی در مواردی که کودک مرتکب رفتار نادرست و آسیب‌زننده شده است، اعمال می‌شود. اما تأدیب به معنای تربیتی آن، بیشتر با هدف آموزش و هدایت کودک به‌کار می‌رود. این دو مفهوم از نظر موارد کاربرد، شرایط اجرا، میزان مجازات و افرادی که حق اعمال آن را دارند، تفاوت‌هایی دارند که در متون فقهی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، نیاز به بررسی دقیق‌تر ضوابط و شرایط آن‌ها، از جمله میزان مجاز تنبیه، شیوه اجرای آن، مراحل مختلف اعمال تنبیه و افراد مجاز به انجام آن، احساس می‌شود تا بتوان مرزهای دقیق بین تربیت، تنبیه و مجازات اطفال را مشخص کرد.

در پژوهش موسوی اقدم و جعفری هرنندی (۱۳۹۹) به دیدگاه‌های فقهی و تربیتی در مورد چگونگی اعمال تنبیه، حدود و شرایط آن، و تفاوت میان تأدیب مشروع و تنبیه نادرست پرداخته شده است. همچنین به تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی تنبیه بر کودکان اشاره می‌شود و اینکه چگونه روش‌های تأدیبی باید با اصول اخلاقی و تربیتی هماهنگ باشند تا به رشد صحیح کودکان کمک کند. برخی فقها بر این باورند که تأدیب باید بر اساس مصلحت کودک و در چارچوب شرع باشد و هرگونه تنبیه که به ضرر کودک بینجامد، غیرمجاز است. از سوی دیگر، مباحث مربوط به تفاوت‌های میان تنبیه سازنده و خشونت علیه کودکان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در این مقاله به تأثیر روش‌های نوین تربیتی و دیدگاه‌های روان‌شناختی در زمینه پرورش کودک اشاره شده است که نشان می‌دهد توجه به رشد عاطفی و شناختی کودکان در فرآیند تربیت اهمیت بسیاری دارد.

در مجموع، این پژوهش بر ضرورت اعتدال در تأدیب کودکان تأکید دارد و بیان می‌کند که مجازات یا تنبیه باید با هدف اصلاح و پرورش باشد نه آسیب‌رساندن. همچنین، بر نقش والدین و مربیان در انتخاب روش‌های صحیح تربیتی تأکید شده و پیشنهاد می‌شود که به جای استفاده از تنبیه‌های سخت، از روش‌های تشویقی و جایگزین‌های تربیتی بهره گرفته شود. مروری بر مطالعات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که در ایران، تحقیقات محدودی بر مقایسه تطبیقی تأدیب والدین در نظام‌های حقوقی مختلف متمرکز بوده است. در حالی که مطالعات خارجی به بررسی تأثیر اصلاحات قانونی بر رفتار والدین و میزان کودک‌آزاری پرداخته‌اند، پژوهش‌های ایرانی بیشتر به ابعاد فقهی و حقوقی و کمتر به تأثیرات اجتماعی و روانی این موضوع پرداخته‌اند. این شکاف پژوهشی ضرورت مطالعه تطبیقی قوانین ایران با سایر کشورها و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح نظام حقوقی را برجسته می‌کند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و به منظور گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره می‌برد. ابزارهای گردآوری شامل منابعی همچون کتب و مقالات دست اول، متون ترجمه‌شده، اسناد و کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون حقوق کودک و همچنین تحقیقات مستقل انجام‌شده در این زمینه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مطالعه با رویکردی کیفی انجام می‌شود.

بحث

تبیین قلمرو مصداقی اقدامات والدین و سرپرستان قانونی

در مورد اختیارات والدین در تأدیب فرزندان، دو دیدگاه اصلی وجود دارد: یکی اختیارات گسترده والدین را طبق تفسیر موسع از قوانین و روایات فقهی تأیید می‌کند، و دیگری با تفسیر محدودتر، این اختیارات را کاهش می‌دهد.

۱. رویکرد قائل به تفسیر موسع

بدوناً به بررسی استدلال‌های دیدگاهی خواهیم پرداخت که با پذیرش یک تفسیر موسع از قوانین و روایات فقهی موجود، برای والدین بیشترین اختیار را در حوزه تأدیب قائل است.

الف) استناد به بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات

بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی به والدین اجازه می‌دهد که برای تأدیب و تربیت فرزندان خود، در حد متعارف و با رعایت مصلحت کودک، اقداماتی انجام دهند که جرم محسوب نمی‌شود. این ماده به والدین اختیاراتی در زمینه تربیت فرزندان داده، اما به دلیل استفاده از عباراتی مانند "حد متعارف" و "مصلحت کودک"، فضای تفسیر گسترده‌ای را نیز برای والدین و مراجع قضایی فراهم کرده است تا در چارچوب‌های عرف و قوانین، این اقدامات را تنظیم کنند.

بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی به والدین در تأدیب کودکان اختیار گسترده‌ای می‌دهد، مشروط بر اینکه تنبیهات در چارچوب عرف و مصلحت کودک باشد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که اصطلاحات "حد متعارف" و "مصلحت کودک" انعطاف‌پذیری زیادی به والدین و قضاوت درباره روش‌های تربیتی می‌دهند، اگرچه این آزادی ممکن است توجیه‌گر برخی رفتارهای تنبیهی نامناسب باشد (نوبخت و قلفی، ۱۴۰۱). این دیدگاه می‌تواند تأثیراتی بر رویه قضایی و جامعه داشته باشد؛ به گونه‌ای که قضات ممکن است با استناد به بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، والدینی را که تنبیه متعارف و تربیتی انجام داده‌اند، مجرم نشمارند. با این حال، نبود معیارهای دقیق برای ارزیابی رفتار والدین می‌تواند به فضای قضایی نامشخصی منجر شود (زرگوش نسب و جلیلیان، ۱۳۹۵).

برداشت موسع از قانون، ممکن است والدین را به تنبیهاتی تشویق کند که در بلندمدت به کودک آسیب می‌رساند و احتمال افزایش خشونت خانگی را در برخی جوامع بالا می‌برد. در ایران، فقدان تعاریف روشن از آنچه به منزله «حد متعارف» در تأدیب

والدین است، منجر به چالش‌های حقوقی و تفاسیر متضاد قضایی شده است. در حالی که ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی به والدین اجازه تأدیب داده است، اما معیار روشنی برای تعیین حد مجاز این تأدیب وجود ندارد. این خلأ قانونی می‌تواند منجر به آزار برخی والدین شود و موارد کودک‌آزاری را توجیه کند. در مقابل، کشورهای غربی با تعیین حدود دقیق مرزهای روشنی را بین انضباط مجاز و کودک‌آزاری ترسیم کرده‌اند.

این دیدگاه که اختیارات والدین را در چارچوب "حد متعارف" و "مصلحت کودک" از مسئولیت کیفری معاف می‌سازد، به دلیل امکان سوءاستفاده از قدرت والدین و آسیب به کودکان با انتقاداتی مواجه است و مغایر حقوق بین‌المللی کودک تلقی می‌شود.

ب) استناد به بند ت ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹

موافقان اختیارات گسترده والدین برای تأدیب کودکان به بند (ت) ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ استناد می‌کنند که بر اساس آن، قانون‌گذار با وجود تأکید بر حمایت از حقوق کودک، به والدین اجازه می‌دهد در چارچوب معین از روش‌های تأدیبی برای تربیت فرزندان خود استفاده کنند. در این بند، سوءرفتار با کودکان تعریف شده و اقدامات تربیتی والدین از این تعریف مستثنا شده است، بنابراین اعمالی مانند تنبیه بدنی محدود در چارچوب تربیتی، سوءرفتار تلقی نمی‌شود (صفایی، ۱۴۰۰). بند ت، کودکان و نوجوانانی را که در شرایطی هستند که ممکن است به آسیب جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی منجر شود، به عنوان «کودک در معرض خطر» تعریف می‌کند. این تعریف، شرایط تهدیدکننده را به عواملی چون محیط زندگی، وضعیت خانوادگی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت می‌دهد و شامل هر شرایطی است که بر کودک تأثیر منفی بگذارد (فرامرزی و احمدی، ۱۳۹۵).

این قانون به چهار نوع تهدید اصلی برای کودکان اشاره می‌کند: سلامت جسمی، شامل هر عاملی که می‌تواند به سلامت بدنی کودک آسیب بزند، مانند سوءتغذیه، بی‌توجهی به سلامت پزشکی و خشونت جسمی؛ سلامت روانی، شامل آسیب‌های روانی همچون اضطراب، افسردگی و تنش‌های خانوادگی؛ تهدیدات اخلاقی که کودک را در معرض فساد اخلاقی و فعالیت‌های مجرمانه یا غیرقانونی قرار می‌دهد؛ و تهدیدات اجتماعی، مانند بی‌سرپرستی، بی‌خانمانی یا طرد اجتماعی. علاوه بر این، قانون تأکید دارد که کودک یا نوجوان در معرض خطر، نه تنها در معرض آسیب جسمی یا روانی است، بلکه احتمال وقوع جرم علیه او نیز وجود دارد، زیرا قرارگیری در شرایط خطرناک می‌تواند زمینه‌ساز بزه‌دیدگی کودک شود.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تعریفی جامع از خطرات تهدیدکننده کودکان ارائه می‌دهد و نه تنها مقابله با جرایم علیه آنها، بلکه پیشگیری از شرایط خطرآفرین را نیز شامل می‌شود. این قانون به نهادهای قانونی و اجتماعی اجازه می‌دهد که در مواقع مشکوک به تهدیدات علیه کودکان، مداخله کرده و از آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی به آنان جلوگیری کنند (نکونام، ۱۳۸۸). بند «ت» ماده ۱ قانون اصلاحی ۲۰۱۴ برزیل به‌ویژه به «کودک یا نوجوان در معرض خطر» اشاره دارد و به نهادهای مربوطه این امکان را می‌دهد که در صورت مشاهده علائم خطر، فوراً اقدام کنند. موافقان این قانون بر اساس دیدگاه‌های اسلامی و عرفی، مسئولیت والدین در تربیت فرزندان را به رسمیت می‌شناسند و معتقدند که والدین باید ابزارهای لازم برای اصلاح رفتارهای ناپسند و ایجاد نظم در خانه و اجتماع را داشته باشند. قانون‌گذار نیز با استثنا کردن تأدیب والدین از سوءرفتار، این مسئولیت را تأیید کرده است (شاملی و اکبری، ۱۳۹۰). موافقان معتقدند باید میان تأدیب سازنده و سوءرفتار مخرب تفاوت قائل شد؛ چنانچه تأدیب والدین آسیبی جدی به کودک نرساند، نباید سوءرفتار محسوب شود. آن‌ها بر این باورند که اختیارات والدین در تأدیب معقول، به تقویت اقتدار خانواده و حفظ نظم خانوادگی کمک می‌کند و کاهش این حق می‌تواند به تضعیف نقش والدین در تربیت منجر شود.

ج) استناد به مواد ۱۱۶۸، ۱۱۷۳ و ۱۱۷۹ قانون مدنی

موافقین اختیارات گسترده والدین برای تأدیب فرزندان به مواد ۱۱۶۸، ۱۱۷۳ و ۱۱۷۹ قانون مدنی استناد می‌کنند تا نشان دهند که طبق نظام حقوقی ایران، مسئولیت و اختیار تربیت فرزندان بر عهده والدین است و این شامل حق تأدیب آنان نیز می‌شود. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی بیان می‌کند: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است.»

موافقین معتقدند که حضانت به معنای نگهداری، تربیت و حمایت از کودکان است و این مسئولیت شامل رشد اخلاقی و رفتاری فرزندان می‌شود. حضانت نه تنها حق والدین است بلکه وظیفه‌ای قانونی است. بنابراین، برای انجام این تکلیف، والدین باید از ابزارهای مختلف از جمله تأدیب استفاده کنند تا به‌درستی وظیفه خود را انجام دهند (بهینافر و عباسی، ۱۴۰۰).

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به شرایطی اشاره دارد که در آن حضانت به دلیل سوءرفتار یا عدم صلاحیت والدین می‌تواند سلب شود. این ماده تأکید می‌کند که تنها در صورتی که رفتار والدین موجب آسیب جسمی یا روانی به کودک شود، حضانت از آنها سلب می‌شود. موافقین معتقدند که قانون‌گذار میان تأدیب مناسب و سوءرفتار تفاوت قائل شده و تنها در صورت سوءرفتار جدی حقوق والدین در مورد حضانت و تأدیب محدود می‌شود. آنها بر این باورند که والدین در چارچوب تربیت و تأدیب متعارف مجاز به تنبیه فرزندان هستند، مشروط بر اینکه به کودک آسیب جدی وارد نشود.

ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی تصریح می‌کند که والدین حق تنبیه فرزند خود را دارند، اما نباید از حدود تأدیب فراتر روند. موافقین با استناد به این ماده استدلال می‌کنند که قانون‌گذار به والدین اجازه داده است که از تنبیه به عنوان ابزار تربیتی استفاده کنند، البته باید در مرزهای معقول و متعارف باقی بماند و از آسیب به کودک جلوگیری شود. آنها بر این باورند که این حق تنبیه برای اصلاح رفتار کودک ضروری است و به والدین قدرت می‌دهد تا فرزندان خود را بر اساس موازین اخلاقی و اجتماعی تربیت کنند (حائری، ۱۳۸۷).

موافقان اختیارات گسترده والدین برای تأدیب کودکان، با استناد به مواد قانونی مدنی، سه استدلال اصلی مطرح می‌کنند: نخست، مسئولیت تربیتی والدین که در مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۳ قانون مدنی آمده است و به‌طور خاص بر مسئولیت والدین در تربیت و حضانت فرزندان تأکید دارد، و به والدین این اختیار را می‌دهد که از ابزارهای مناسب، از جمله حق تأدیب، برای انجام این مسئولیت بهره‌مند شوند. دوم، تمایز میان تأدیب و سوءرفتار که در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی به آن اشاره شده و تأکید دارد که تأدیب باید در «حدود تأدیب» انجام شود؛ در اینجا تأدیب معقول مجاز است، اما خشونت شدید و غیرموجه به‌عنوان سوءرفتار محسوب می‌شود. سوم، ضرورت استفاده از تأدیب برای تربیت صحیح، که به باور موافقان به والدین اجازه می‌دهد تا برای تقویت نظم، مسئولیت‌پذیری و احترام به قوانین در کودک از روش‌های معقول تأدیبی استفاده کنند، که این امر به رشد شخصیتی و اجتماعی کودک کمک کرده و از بی‌نظمی‌های آینده جلوگیری می‌کند (خادم صادق و قرمزی، ۱۳۹۵). آنها معتقدند که اختیارات والدین برای تأدیب در چارچوب قوانین مدنی نه تنها قانونی بلکه ضروری است، مشروط بر اینکه از حدود معقول و متعارف فراتر نرود و آسیبی به کودک وارد نکند.

د) استناد به مبانی و روایات فقهی

در فقه امامیه، مفهوم ترک بزهکاری و ناپهنجاری‌های اخلاقی کودکان بر اساس اصول کلی تنبیه مطرح می‌شود و در دو قالب «تغزیر» و «تأدیب» بیان می‌گردد.

– تغزیر به عنوان یک عقوبت، مجازاتی است که برای آن حد مشخصی تعیین نشده و مقدار آن به حاکم واگذار شده است. این مجازات برای ارتکاب انواع جرم‌ها، چه منصوص و چه غیر منصوص، اعمال می‌شود. تغزیر منحصر به ضرب نیست و ممکن است فقط با یک تذکر یا اصلاح رفتار کودک انجام گیرد.

– تأدیب در دو معنای متفاوت به کار می‌رود: اول، تربیت همراه با تنبیه که به عنوان وظیفه والدین یا معلمان در قبال فرزندان و متعلمین است؛ و دوم، به معنای تغزیر که در موارد خاص برای کودکان به کار می‌رود. تأدیب کودک در فقه امامیه به‌ویژه برای ترک اخلاقیات و عرفیات مجاز است، ولی در مورد ترک واجباتی جز نماز و روزه، تأدیب کودک پذیرفته نمی‌شود (صانعی، ۱۳۹۸).

۲. رویکرد قائل به تفسیر مضیق

دیدگاه مخالف با اختیارات گسترده والدین در تأدیب کودکان، با تکیه بر تفسیری مضیق از قوانین و روایات، بر این باور است که این اختیارات می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانگی علیه کودکان باشد. این دیدگاه معتقد است که مواد قانونی مانند ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، که تنبیه بدنی را تحت شرایطی برای والدین مجاز می‌داند، در عمل به ابزاری برای توجیه خشونت علیه کودکان تبدیل می‌شود و موجب ترویج آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی خواهد شد. برای کاهش این آسیب‌ها، پیشنهاد می‌شود موادی که به والدین معافیت قانونی برای تنبیه بدنی می‌دهند، بازنگری یا حذف شوند تا از این طریق بتوان از سوءاستفاده و خشونت علیه کودکان جلوگیری کرد. مخالفان این مواد قانونی استدلال می‌کنند که استمرار این معافیت‌ها می‌تواند به جرایم بیشتری علیه کودکان در جامعه دامن بزند (رایجان اصلی، ۱۳۸۱؛ برهانی، ۱۳۹۰).

الف) لزوم توجه به عضویت ایران در کنوانسیون حقوق کودک

ایران در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوست و با پیش‌شرط عدم مغایرت با قوانین اسلامی، تعهداتی را در راستای حمایت از حقوق کودکان پذیرفت. کنوانسیون حقوق کودک به‌ویژه در مواد ۱۹ و ۳۷ بر حمایت از کودکان در برابر خشونت جسمی و روانی تأکید دارد و کشورهای عضو را ملزم به اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از بدرفتاری با کودکان می‌کند. این کنوانسیون اجرای تدابیر قانونی و آموزشی برای محافظت از کودکان در برابر بدرفتاری را ضروری می‌داند. در ایران، تأدیب کودکان بخشی از وظایف والدین است، اما روش‌های اجرای این تأدیب، به‌ویژه در موارد تنبیه جسمی یا روانی، با چالش‌های حقوق بشری روبرو است. در حالی که فقه اسلامی به والدین اجازه می‌دهد تنبیه‌های محدود و غیرمضر اعمال کنند، کنوانسیون حقوق کودک خواستار حذف هرگونه تنبیه بدنی و تحقیرآمیز است. ایران با اعلام «حق شرط» تلاش کرده تا الزامات کنوانسیون را با قوانین اسلامی هماهنگ کند، اما نیاز به بازنگری در قوانین داخلی و ارائه آموزش‌های تربیتی جایگزین مانند روش‌های مشاوره‌ای و گفت‌وگو برای هم‌سویی بیشتر با معیارهای بین‌المللی احساس می‌شود.

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که پس از پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک، با انجام اصلاحات قانونی توانسته‌اند از حقوق کودکان در برابر تنبیه‌های جسمی و روانی محافظت کنند. ایران نیز باید در راستای تعهدات بین‌المللی خود، قوانین داخلی خود را به‌ویژه در زمینه تأدیب کودکان بازنگری و به‌روزرسانی کند تا با استانداردهای جهانی هم‌راستا شود. برای هم‌سویی با کنوانسیون حقوق کودک و ارتقای حقوق کودکان، اصلاحاتی مانند ممنوعیت تنبیه جسمی و روانی، تصویب قوانین جامع حمایت از حقوق کودک، آموزش والدین و مربیان در زمینه روش‌های تربیتی جایگزین و بدون خشونت، و ایجاد نهادهای حمایتی و نظارتی برای اطمینان از اجرای این حقوق پیشنهاد می‌شود. ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، موظف است محیطی بدون خشونت برای تربیت کودکان فراهم کند. بنابراین، بازنگری در سیاست‌های تربیتی و قوانین داخلی و ایجاد نهادهای نظارتی می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند و شرایط بهتری برای رشد سالم و حفاظت از حقوق کودکان ایجاد نماید.

ب) لزوم توجه به راهکارهای غیر تنبیهی برای تربیت

راهکارهای غیرتنبیهی مانند گفت‌وگو و توضیح دادن در تربیت کودکان، بر اساس احترام و درک متقابل طراحی شده‌اند. در این روش، والدین به جای تنبیه، دلیل اشتباه کودک را توضیح می‌دهند تا او پیامدهای رفتار نادرست را درک کند. این شیوه به تقویت مهارت‌های ارتباطی، ایجاد اعتماد و افزایش آگاهی کودک از رفتارهای درست کمک می‌کند (باقری و غلامزاده، ۱۳۹۹). تقویت مثبت نیز به‌جای تمرکز بر تنبیه، رفتارهای مثبت کودک را از طریق تحسین و پاداش‌های مناسب تقویت می‌کند. این روش موجب افزایش انگیزه کودک برای تکرار رفتارهای خوب و تقویت اعتماد به نفس و خودارزشمندی می‌شود.

تربیت مؤثر کودکان می‌تواند از طریق روش‌های غیرتنبیهی و مثبت صورت گیرد. یکی از این روش‌ها، تعیین قوانین و مرزبندی‌های مشخص است که در آن قوانین باید به‌طور واضح و منطقی برای کودک توضیح داده شوند. این روش باعث ثبات در رفتار کودک و والدین، پیشگیری از مشکلات رفتاری و افزایش حس مسئولیت‌پذیری در کودک می‌شود. دیگر روش، "زمان سکوت" است که به کودک اجازه می‌دهد در مکانی آرام بنشیند و به رفتار خود فکر کند. این شیوه به کاهش تنش و تقویت خودکنترلی در کودک کمک می‌کند (میربمانی، ۱۳۸۶). ارائه انتخاب‌های محدود نیز یک روش مؤثر است که به کودک حس استقلال می‌دهد و از این طریق مسئولیت‌پذیری و توانایی تصمیم‌گیری او تقویت می‌شود. روش حل مسئله مشترک شامل همکاری والدین و کودک برای یافتن راه‌حل به مشکلات می‌باشد، که این به تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و احترام متقابل کمک می‌کند. در نهایت، تشویق به خودکنترلی، از طریق آموزش مدیریت احساسات، به کودک کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کرده و نیاز به تنبیه کاهش یابد.

ج) حق بر تمامیت جسمانی کودک

حق تمامیت جسمانی کودک، که در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) تأکید شده است، شامل حفاظت از کودک در برابر خشونت و سوءاستفاده (ماده ۱۹) و حق دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی مناسب (ماده ۲۴) است (طاهری، ۱۳۹۷). حق بر تمامیت جسمانی شامل جلوگیری از هرگونه خشونت جسمی، روانی یا جنسی است و به‌ویژه به منع تعرض‌های بزرگترها و تنبیه‌های خشن اشاره دارد. این حق همچنین شامل آگاهی کودک از بدن خود، حقوقش و توانایی بیان نظر در مورد آنچه که احساس می‌کند است. دولت‌ها موظف به فراهم کردن شرایط دسترسی کودکان به خدمات بهداشتی و مراقبت‌های پزشکی مناسب هستند و هیچ‌گونه درمان پزشکی نباید بدون رضایت آگاهانه کودک انجام شود.

با وجود تأکیدات قانونی و بین‌المللی، حق بر تمامیت جسمانی کودک همچنان با چالش‌های فراوانی مواجه است. بسیاری از کودکان در معرض سوءاستفاده و کودک‌آزاری قرار دارند که آسیب‌های جسمانی و روانی شدیدی به آن‌ها وارد می‌کند. در برخی کشورها، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و پزشکی می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. علاوه بر این، برخی والدین با استفاده از تنبیه‌های خشن، به تمامیت جسمانی کودکان آسیب می‌زنند. برای حفاظت از این حقوق، دولت‌ها و نهادهای اجتماعی باید قوانین و سیاست‌های مناسب را تصویب و اجرا کنند و برنامه‌های آموزشی برای والدین و جامعه در زمینه حقوق کودک و روش‌های تربیتی غیرخشن فراهم آورند. ایجاد سیستم‌های حمایتی برای کودکانی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند نیز ضروری است. این اقدامات نیازمند همکاری میان دولت‌ها، جامعه و والدین است تا شرایطی امن و سالم برای پرورش کودکان فراهم شود (پوراسماعیلی و دوستی، ۱۳۹۷).

چالش‌های مربوط به عدم تبیین مصادیق تقنینی

بحث تأدیب کودکان در فقه اسلامی و حقوق ایران به مشروعیت استفاده از تنبیه محدود و متعارف پرداخته است. هدف اصلی از تأدیب، اصلاح رفتار کودک و آموزش اخلاقی است. برای تعیین مشروعیت تنبیه باید چهار معیار رعایت شود: اولاً، تنبیه نباید به کودک آسیب جسمی یا روانی وارد کند. ثانیاً، تنبیه باید متناسب با اشتباه کودک باشد. ثالثاً، باید کرامت انسانی کودک حفظ شود و از روش‌های تحقیرآمیز پرهیز شود. رابعاً، هدف از تنبیه باید تربیت و اصلاح رفتار باشد، نه انتقام‌جویی یا اعمال خشم والدین (علمی، ۱۳۹۷).

در فقه اسلامی و قوانین ایران، برخی روش‌های تنبیه مشروع شامل تنبیه کلامی (تذکر و هشدار محترمانه بدون تحقیر) که به‌عنوان روش اصلاحی و مجاز شناخته می‌شود (عبدالملکی، ۱۳۹۷)، محرومیت‌های موقت (محروم کردن کودک از فعالیت‌های مورد علاقه بدون آسیب جسمی یا روانی) و تنبیه زمانی (دور کردن کودک از محیط تحریک‌آمیز برای آرام شدن و تفکر در مورد رفتار خود) می‌باشد. این روش‌ها در چارچوب قوانین اسلامی و حقوقی ایران مجاز و مشروع هستند، به شرط آنکه هدف اصلاحی و محترمانه باشند (علمی، ۱۳۹۷).

برخی روش‌های تنبیه که به دلیل آسیب جسمی یا روانی به کودک، نامشروع و غیرقانونی محسوب می‌شوند عبارتند از: تنبیه بدنی شدید (مانند ضرب و شتم که منجر به آسیب فیزیکی شود)، که طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان قابل پیگرد قانونی است و ممکن است مجازات‌هایی برای والدین به همراه داشته باشد (زینل، ۱۳۹۹)، تنبیه روانی و تحقیر (توهین و استفاده از کلمات آزاردهنده که به شخصیت کودک آسیب می‌زند)، که از نظر شرعی و قانونی مجاز نیست، و محرومیت‌های نامتناسب (محروم کردن کودک از نیازهای اساسی مانند غذا یا محل خواب)، که از نظر اسلامی و قانونی نقض حقوق کودک است و می‌تواند عواقب کیفری داشته باشد.

یکی از چالش‌های بزرگ در زمینه تنبیه کودک، تفسیر و تعریف «متعارف بودن» تنبیه است. برای جلوگیری از رفتارهای غیرقانونی و آسیب‌زا، لازم است مرزهای قانونی و شرعی تنبیه‌های مشروع والدین دقیقاً مشخص شود. این مسئله مستلزم تدوین قوانین روشن و آگاهی‌رسانی به والدین در مورد روش‌های مجاز و نامجاز است (رشیدپور، ۱۳۷۰). علاوه بر این، باید روش‌های تربیتی غیرآسیب‌زا جایگزین تنبیه‌های نامتناسب شوند و والدین به روش‌های مثبت در تربیت فرزندان ترغیب گردند. در این راستا، قانون مجازات اسلامی ماده ۱۵۸ اصل معافیت والدین در تنبیه فرزندان را بدون ذکر پیش‌شرط‌ها بیان کرده است. با استناد به منابع فقهی، چهار شرط برای مشروعیت تنبیه بدنی والدین تعریف شده است: (۱) تنبیه بدنی فقط در صورت امتناع کودک از نماز مجاز است، (۲) تنبیه تنها برای کودکان بالای هفت سال مجاز است، (۳) تنبیه نباید به آسیب جسمانی، حتی قرمزی پوست، منجر شود، و (۴) والدین نباید در حال عصبانیت اقدام به تنبیه کنند. تنبیه از روی خشم نه تنها شرعاً حرام است بلکه می‌تواند مجازات‌های شرعی و تعزیری به دنبال داشته باشد (برهانی، ۱۳۹۰).

آثار فقدان مصادیق شفاف و صریح

پذیرش تأدیب صغار به طور متعارف توسط قانونگذار و شرع، گرچه به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است، اما همچنان چالش‌هایی اساسی را به وجود می‌آورد. تعیین مرزهای مشروعیت تنبیه و تفکیک بین تنبیه‌های قانونی و مجاز از تنبیه‌های غیرقانونی و نامتعارف، آثار اجتماعی، روانی، حقوقی و قضایی گسترده‌ای دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

الف) پیامدهای اجتماعی و روانی

تشخیص و تفسیر نامناسب تنبیه‌های مجاز و نامتعارف می‌تواند به آسیب‌های جسمی و روانی جدی برای کودکان منجر شود. عدم آگاهی والدین از حدود قانونی و شرعی تنبیه باعث بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و غیرمجاز می‌شود که عواقب روانی و اجتماعی جبران‌ناپذیری برای کودک دارد. تنبیه‌های غیرمتعارف، مانند تحقیر و توهین، عزت نفس کودک را تضعیف کرده و موجب بروز اختلالات رفتاری می‌شود. این آسیب‌ها نه تنها به مشکلات روانی و اجتماعی کودک در آینده منجر می‌شوند، بلکه ممکن است چرخه‌ای از خشونت را در جامعه ایجاد کنند که در آن، کودکان آسیب‌دیده به بزرگسالانی تبدیل می‌شوند که خود نیز رفتارهای خشونت‌آمیز نشان می‌دهند.

ب) پیامدهای حقوقی و قضایی

عدم شفافیت در تعریف تنبیه‌های مجاز، اختلافات حقوقی میان والدین، سرپرستان، و حتی مدارس را افزایش می‌دهد و ممکن است منجر به تشکیل پرونده‌های قضایی برای بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت این موارد شود. در شرایطی که تنبیه‌های نامتعارف آسیب‌های جسمی یا روانی شدیدی را ایجاد کنند، والدین یا سرپرستان ممکن است با پیگرد قانونی مواجه شوند، و مسائل مرتبط با نقض حقوق کودک و کرامت انسانی در این موارد مورد توجه قرار می‌گیرند. افزون بر این، آگاهی ناکافی والدین و حتی برخی مجریان قانون از مصادیق تنبیه‌های مجاز و غیرمجاز، می‌تواند به اجرای نادرست قوانین و بی‌عدالتی در سیستم قضایی و عدم حمایت مؤثر از کودکان منجر شود (اخلاقی، ۱۳۸۷).

ج) آثار فرهنگی و آموزشی

یکی از پیامدهای مهم این چالش، نبود استانداردهای روشن و مشخص در روش‌های تربیتی است. در بسیاری از خانواده‌ها، تنبیه‌های غیرمتعارف به دلیل تلقی اشتباه از تربیت صحیح مورد استفاده قرار می‌گیرد که این امر نه تنها به آسیب کودک منجر می‌شود بلکه مشکلات جدی در تربیت و رشد او ایجاد می‌کند. وجود این چالش‌ها باعث شده است که آگاهی عمومی درباره روش‌های تربیتی و تعیین حد و مرز تنبیه‌های مشروع افزایش یابد. در نتیجه، نیاز به آموزش‌های حقوقی و تربیتی برای والدین، مربیان و سرپرستان کودکان، بیش از پیش احساس می‌شود.

د) تأثیر بر نظام حقوق کودک و قوانین بین‌المللی

تنبیه‌های نامتعارف به عنوان نقض حقوق کودک و تجاوز به کرامت انسانی او مطرح شده و قوانین بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو را ملزم به رعایت اصول تربیتی می‌کنند. پیچیدگی این موضوع نشان می‌دهد که اصلاح و شفاف‌سازی قوانین داخلی درباره تأدیب کودکان و تعیین چارچوب تنبیه‌های مجاز ضروری است تا از تفسیرهای نادرست و خشونت جلوگیری شود. تشخیص تنبیه‌های مشروع از نامشروع تأثیرات مهمی در حوزه‌های اجتماعی، حقوقی و فرهنگی دارد و بر سلامت جسمی و روحی کودکان اثرگذار است. تدوین قوانین شفاف و آموزش والدین و مربیان، برای جلوگیری از تنبیه‌های غیرمجاز و رعایت حقوق کودک ضرورت دارد (شفیعی و عارف، ۱۴۰۲).

تطبیق وضعیت اختیارات والدین نسبت به صغار و مجانین

برای تبیین بهتر چارچوب موضوع، اختیارات والدین نسبت به تأدیب و تربیت صغار و مجانین را با قوانین کشورهای دیگر اعم از کشورهای اسلامی و همسایه به فرهنگ مشابه و هم‌منظور کشورهای غربی تطبیقی پرداخته شده است.

الف) کشورهای اسلامی و همسایه

در نظام حقوقی اسلامی، والدین حق تأدیب فرزندان و افراد ناتوان را دارند، اما این اختیارات باید مطابق با اصول عدالت و عدم آسیب‌رسانی باشد. در فقه امامیه و حنفی، تأدیب باید متعارف و غیرآسیب‌زا باشد و از خشونت یا تحقیر پرهیز شود. هر نوع تجاوز از این محدودیت‌ها به تأدیب غیرمجاز منجر می‌شود که ممکن است مجازات‌های فقهی و کیفری در پی داشته باشد. برای نمونه، طبق ماده ۵۰ قانون خانواده مصر، تنبیه‌های خفیف و غیرآسیب‌زا مجاز است، اما هر نوع تنبیه که آسیب جسمی یا روانی به کودک وارد کند، ممنوع است. همچنین در قوانین اردن، هر نوع تنبیه که از چارچوب متعارف تجاوز کند، موجب مسئولیت کیفری والدین خواهد شد (نوری، ۱۳۸۸).

در بسیاری از نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی، تأدیب صغار و مجانین باید بر اساس اصول قانونی و متعارف انجام شود که شامل سه محدودیت اصلی است: ۱) عدم آسیب جسمی: هر نوع تأدیبی که منجر به آسیب جدی جسمی به کودک یا فرد مجنون شود، غیرقانونی است و والدین ممکن است تحت پیگرد قانونی قرار گیرند. ۲) احترام به کرامت انسانی: تأدیب باید به گونه‌ای باشد که کرامت فرد حفظ شود و از تحقیر یا توهین جلوگیری شود. استفاده از روش‌های تأدیبی که شأن انسانی را نقض کند، در شرع و قوانین اسلامی پذیرفته نیست. ۳) لزوم اصلاح و تربیت: هدف تأدیب باید اصلاح و تربیت باشد، نه صرفاً اعمال خشونت. تنبیه‌های خشن که باعث مشکلات روانی و اجتماعی می‌شوند، از نظر شرع و قانون نامشروع شناخته می‌شوند. این اصول به منظور حفظ سلامت جسمی و روانی افراد و ارتقای فرآیند تربیتی و خانوادگی تنظیم شده است و بر تعادل میان تأدیب و رعایت حقوق انسانی تأکید دارد. عدم رعایت این اصول می‌تواند پیامدهای حقوقی و اجتماعی جدی برای والدین به همراه داشته باشد و حتی در کشورهایی که به کنوانسیون حقوق کودک متعهد هستند، پیگرد قانونی داشته باشد.

در قوانین کشورهای اسلامی و شرع، والدین می‌توانند فرزندان و مجانین را تأدیب کنند، اما این تأدیب باید عادلانه، متعادل و بدون آسیب جسمی یا روانی باشد. تنبیه‌های نامتعارف غیرقانونی است و می‌تواند عوارض روانی و اجتماعی به همراه داشته باشد. عراق و قطر قوانین خاصی برای جلوگیری از خشونت علیه کودکان دارند و والدین باید از روش‌های تربیتی مثبت استفاده کنند. در هر دو کشور، تنبیه‌های جسمی که منجر به آسیب شود، کودک‌آزاری محسوب می‌شود و برنامه‌هایی برای آموزش والدین در زمینه تربیت مثبت وجود دارد (بهرامی احمدی و امینی، ۱۳۹۴).

ب) کشورهای غربی

در کشورهای غربی، قوانین حقوق بشر و اصول روانشناسی مدرن بر تأدیب کودکان و مجانین تأثیر زیادی دارند. استفاده از روش‌های تنبیهی خشونت‌آمیز به شدت محدود یا ممنوع است. در ایالات متحده، برخی ایالت‌ها تنبیه بدنی را مجاز می‌دانند، اما این تنبیه نباید آسیب جدی ایجاد کند. برای مثال، در کالیفرنیا، تنبیه بدنی مجاز است اما باید از آسیب‌های قابل توجه جلوگیری شود، در غیر این صورت، والدین ممکن است تحت پیگرد قرار گیرند. در نیویورک نیز، تنبیه خشونت‌آمیز ممکن است به عنوان سوءاستفاده از کودک تعبیر شود.

در بریتانیا، تنبیه بدنی برای تأدیب مجاز است اما باید معقول باشد و از آسیب جسمی یا روانی جلوگیری شود. در اسکاتلند از سال ۲۰۲۰ استفاده از تنبیه بدنی به طور کامل ممنوع شده است. سوئد از سال ۱۹۷۹ استفاده از تنبیه بدنی را ممنوع کرده و هر نوع خشونت علیه کودکان، حتی تنبیه‌های خفیف، غیرقانونی است و منجر به پیگرد قانونی والدین می‌شود.

در فرانسه، تا سال ۲۰۱۹ استفاده از تنبیه بدنی مجاز بود، اما پس از تصویب قانونی جدید، هرگونه تنبیه بدنی یا روانی ممنوع شد و تخلف از آن می‌تواند جریمه یا حبس به همراه داشته باشد. در کانادا، طبق ماده ۴۳ قانون جزایی، والدین می‌توانند از تنبیه بدنی محدود برای تأدیب استفاده کنند، اما این تنبیه‌ها باید معقول و غیرآسیب‌رسان باشند. استفاده از ابزارهایی مانند کمر بند یا چوب غیرقانونی است و والدین ممکن است با پیگرد کیفری مواجه شوند.

در آلمان، از سال ۲۰۰۰ به بعد، هرگونه تنبیه بدنی علیه کودکان ممنوع شده است. قانون آلمان تأکید دارد که کودکان حق دارند در محیطی بدون خشونت زندگی کنند و والدین موظف به استفاده از روش‌های تربیتی غیرخشونت‌آمیز هستند. قانون مدنی آلمان بیان می‌کند که تأدیب بدنی ممنوع است و والدین باید از روش‌های احترام‌آمیز برای تربیت کودکان استفاده کنند. تخلف از این قانون می‌تواند به محرومیت از حضانت و پیگرد قانونی منجر شود.

در کشورهای غربی، اختیارات والدین در تأدیب کودکان و مجانین به شدت محدود شده است، و بیشتر این کشورها بر اهمیت حمایت از حقوق کودکان تأکید دارند، به‌ویژه با ممنوعیت خشونت فیزیکی یا روانی. قانون اساسی فدرال ۲۰۱۱ در آلمان به وضوح حق حمایت و تربیت بدون خشونت را برای کودکان تضمین می‌کند. ماده ۱ از هر کودک حمایت و مراقبت ضروری برای رشد و رفاه او را تأمین می‌کند، و ماده ۵ تربیت غیرخشونت‌آمیز و ممنوعیت تنبیه بدنی و سایر آزارها را تصریح کرده است. این ماده همچنین حق حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی و جنسی را تضمین می‌کند.

قانون کودکان و والدین اصلاحی سال ۱۹۷۹ در سوئد، تنبیه بدنی و رفتار تحقیرآمیز با کودکان را ممنوع کرده و تأکید دارد که کودکان باید در محیطی امن و محترم تحت تربیت قرار گیرند. سوئد نخستین کشوری بود که چنین ممنوعیتی را به تصویب رساند (Durrant, ۱۹۹۶). در برزیل، قانون اصلاحی سال ۲۰۱۴ تمام اشکال تنبیه بدنی را ممنوع کرده و برای اجرای این ممنوعیت، مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی برای والدین و خانواده‌ها پیش‌بینی کرده است. این قانون به دولت‌ها، ایالت‌ها و دولت‌های محلی دستور می‌دهد تا سیاست‌های ضد خشونت را اجرا کنند (Gurian et al., ۲۰۱۱). در شیلی نیز، قانون تصویب‌شده در ۲۰۱۷ به صراحت سوء استفاده بدنی از کودکان را جرم دانسته و آن را در چارچوب قانون خشونت خانگی قرار داده است (Leonard Sax, ۲۰۰۶).

بررسی‌های تطبیقی قوانین نشان می‌دهد کشورهای غربی که قوانین سخت‌گیرانه‌تری در مورد تنبیه بدنی کودکان وضع کرده‌اند، کاهش قابل توجهی در کودک‌آزاری و خشونت خانگی داشته‌اند. به عنوان مثال، مطالعه دورانت و آنسوم (۲۰۱۲) نشان داد که

در کشورهایی که تنبیه بدنی ممنوع شده است، پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی کودکان کاهش یافته و والدین روش‌های فرزندپروری مثبت‌تری را اتخاذ کرده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران همچنین می‌تواند قوانین خود را برای جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی اصلاح کند و با حفظ حقوق والدین به سمت استانداردهای بین‌المللی در حمایت از کودکان حرکت کند. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر رویکرد سختگیرانه‌تری را برای تنبیه بدنی کودکان در پیش گرفته‌اند. به عنوان مثال، در سوئد، تنبیه بدنی کودکان از سال ۱۹۷۹ ممنوع شده است و والدین ملزم به استفاده از روش‌های فرزندپروری جایگزین هستند (Durrant, ۱۹۹۹). در آلمان، اصلاحات قانونی سال ۲۰۰۰ همه انواع تنبیه بدنی را غیرقانونی اعلام کرد و دولت را ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی برای والدین کرد (Gershoff et al., ۲۰۱۶). به همین ترتیب، در فرانسه، قانون منع تنبیه کودکان در سال ۲۰۱۹ تصویب شد و بر حمایت اجتماعی و مشاوره تحصیلی برای والدین تاکید دارد.

در مقابل، در بعضی از کشورهای اسلامی، تأدیب والدین تحت شرایط خاص مشخص شده است. برای مثال، مصر به والدین اجازه داده است که از تنبیه‌های خفیف استفاده کنند، اما قوانین کیفری این کشور هر نوع تنبیه شدید را جرم‌انگاری کرده‌اند. در قطر، قانون حمایت از حقوق کودک مشخص شده است که تنبیه بدنی که آسیب جسمی یا روانی کودک را به دنبال داشته باشد، غیرقانونی است. این مقایسه نشان می‌دهد که کشورهای مختلف، حتی با زمینه‌های فرهنگی متفاوت، در حال حرکت به سمت محدودسازی یا ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان هستند.

بررسی رویکرد رویه قضایی و تحلیل و بررسی آراء

در این نمونه رای، دادگاه اقدامات مادر طفل را خارج از حدود متعارف تلقی کرده و بابت آسیبی که به طفل وارد شده است، مادر را مجازات نموده است.

رای بدوی: در پرونده‌ای با موضوع اتهام کودک‌آزاری، ح. به اتهام کودک‌آزاری به فرزند ۹ ساله‌اش س. با شکایت مادر کودک، ف. متهم شد. دادگاه با استناد به شواهدی مانند کیفرخواست، گزارش نیروی انتظامی، اظهارات کودک و گواهی پزشکی قانونی، اتهام را ثابت دانست. متهم به پرداخت ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال جزای نقدی و دیه کیبودی ساق پای راست کودک محکوم شد. این حکم ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر است. رئیس شعبه ۱۱۳۱ دادگاه عمومی جزایی تهران - فراهانی

رای دادگاه تجدید نظر: در تجدیدنظرخواهی آقای ح. نسبت به دادنامه‌ای از شعبه ۱۱۲۸ دادگاه عمومی تهران درباره اتهام کودک‌آزاری، دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را قطعی اعلام کرد. این تصمیم بر اساس این بود که میزان دیه کمتر از خمس دیه کامل است و اتهام کودک‌آزاری بر اساس دلایل موجود محرز شناخته شد. رأی دادگاه به تفسیر سنتی از اختیارات والدین در تأدیب فرزندان استناد دارد.

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین می‌داند و تأکید می‌کند که تربیت باید بر اساس اصول اخلاقی و قانونی باشد. والدین حق تأدیب دارند، اما این تأدیب نباید به نقض حقوق کودکان، مانند سلامت جسمی و روانی آنها، منجر شود. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی بیان می‌کند که اگر تأدیب والدین منجر به آسیب جسمی یا روانی به کودک شود، دادگاه می‌تواند حضانت را سلب کند. همچنین، ماده ۱۱۷۹ به والدین حق تنبیه کودک را می‌دهد، مشروط بر اینکه از حدود تأدیب فراتر نرود، اما این حدود به‌طور شفاف تعریف نشده است و بر اساس اصول حقوق بشری، تأدیب نباید به کودک آسیب برساند.

پژوهش‌های روان‌شناختی نشان می‌دهند که تنبیه بدنی و روش‌های خشن به رشد عاطفی و رفتاری کودکان آسیب می‌زنند، بنابراین لازم است رأی دادگاه در خصوص حق تأدیب والدین با توجه به این پیشرفت‌ها بازنگری شود. اگرچه برخی معتقدند والدین باید آزادی عمل بیشتری در تربیت داشته باشند، این دیدگاه با توجه به اولویت حقوق کودک و تأثیرات منفی تنبیه بدنی قابل نقد است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تنبیه بدنی می‌تواند به مشکلات روانی و رفتاری منجر شود و بنابراین لازم است قانون‌گذار مرزهای تأدیب و سوءرفتار را طبق استانداردهای حقوق کودک و پژوهش‌های علمی دقیق‌تر تعیین کند. برای حفاظت

از حقوق کودک، تأدیب باید بدون آسیب به سلامت جسمی و روانی او باشد و دادگاه‌ها نیازمند معیارهای دقیق‌تری برای تشخیص تأدیب مشروع از سوءرفتار هستند تا از سوءاستفاده از حق تأدیب جلوگیری شود. در خصوص رای مذکور با توجه به بند ۵ ماده ۱۷۳ قانون مدنی ضرب جرح خارج از حد متعارف باعث سلب حضانت کودک می‌گردد و در فقه امامیه، ترک بزهکاری و ناپهنجاریهای اخلاقی کودکان بر پایه اصل کلی تنبیه، در قالب دو فرع فقهی (تعزیر) و (تأدیب) بیان شده است. که می‌توان گفت مورد موافقت شرع و تعالی اسلامی می‌باشد

در ادامه به رای بدوی و تجدیدنظر اشاره خواهیم نمود:

آقای س. س. ل.، ۳۹ ساله، اهل تهران، به اتهام آسیب روحی و جسمی عمدی به فرزندش، با توجه به شواهد و مدارک، به پرداخت سه هزارم دیه کامل بابت کبودی صورت در حق شاکی خصوصی و هفت میلیون ریال جزای نقدی به صندوق دولت محکوم شد. این حکم ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل اعتراض است. رئیس شعبه ۱۱۸۸ دادگاه عمومی تهران - جعفری

رای دادگاه تجدیدنظر استان: آقای س. پ. به اتهام آسیب بدنی عمدی و عدم رعایت سلامت روحی فرزند خود، سید محمد عرفان س. ل. در دادگاه بدوی به پرداخت سه هزارم دیه و هفت میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد. این حکم بر اساس گزارش‌ها و شکایت‌های مختلف صادر شده بود. در دادگاه تجدیدنظر، آقای س. پ. دفاع کرد که هدفش تأدیب فرزند بوده و فقط یک سیلی به او زده است. دادگاه تجدیدنظر پس از بررسی شواهد، اقدام او را در چارچوب تأدیب والدین و نه کودک‌آزاری دانست و بر اساس مواد ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی و ۱۱۷۹ قانون مدنی، حکم به برائت صادر کرد و رأی بدوی را نقض کرد. در رأی بدوی، قاضی با استناد به شواهدی چون اقرار والد، شکایت مادر، گزارش پزشکی قانونی مبنی بر کبودی صورت کودک، و گزارش مددکاری اجتماعی، اقدام والد را عمدی دانسته و او را به پرداخت دیه و جزای نقدی محکوم کرد. قاضی این اقدام را نوعی کودک‌آزاری تلقی کرده و بر اهمیت حمایت از سلامت جسمی و روانی کودک تأکید کرد، اما مرز روشنی میان تأدیب متعارف و سوءرفتار قائل نشده است. در مرحله تجدیدنظر، دادگاه با نقض رأی بدوی، والد را تبرئه کرد و استدلال کرد که تنبیه در حد متعارف و با نیت تربیتی بوده و در چارچوب تأدیب مشروع والدین قرار می‌گیرد. با این حال، نبود تعریف دقیق از «تأدیب متعارف» چالشی حقوقی به شمار می‌آید که ممکن است منجر به سوءاستفاده و تهدید حقوق کودک شود.

این پرونده به تعارض میان حقوق والدین در تربیت فرزندان و حقوق کودکان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی پرداخته است. در رأی بدوی، والد به دلیل آسیب به کودک محکوم به پرداخت دیه و جزای نقدی شد، اما در تجدیدنظر، تنبیه والد مشروع و فاقد سوءنیت تشخیص داده شد. این تعارض بر لزوم تعریف دقیق‌تر «تأدیب متعارف» و «سوءرفتار» تأکید دارد تا حقوق کودک محفوظ بماند و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود. همچنین، نیاز به قوانین شفاف‌تر برای ایجاد تعادل میان آزادی والدین و حفظ حقوق کودک احساس می‌شود.

در فقه امامیه تنبیه، را تعزیر و تأدیب می‌داند که تعزیر عقوبتی است که شارع برای آن اندازه‌ای معین نکرده و تعیین مقدارش را به دست حاکم سپرده است، ولی تأدیب با توجه به موارد کاربرد آن نزد فقها برای دو معنای: تربیت همراه با تنبیه، به عنوان وظیفه والدین در قبال فرزندان و معلّم در قبال متعلّم و یا تأدیب مترادف با تعزیر، استعمال شده است از منظر بررسی می‌توان گفت حفاظت از کودک در مرحله اول برعهده والدین می‌باشد هرچند برای تأدیب آن مجبور به تأدیب در حد عرف آن جامعه توسط والدین انجام شود.

در این پرونده، آقای الف. ح. به اتهام ضرب و جرح عمدی نسبت به همسر و فرزند خردسالش محکوم شده است. دادگاه با توجه به شکایت شاکی، گواهی پزشکی قانونی و کیفرخواست صادره، جرم را اثبات کرده است. با این حال، در خصوص فرزند، به دلیل نیت تربیتی و پدر بودن، مجرمیت محرز ندانسته و او را تبرئه کرده است. اما به دلیل آسیب به همسر، او را به پرداخت چهار

درصد ارش از دیه کامل بابت آسیب به شانه راست همسر محکوم کرده است. این رأی قابل تجدیدنظر است و حکم غیابی نیز قابل واخواهی می‌باشد.

رای دادگاه تجدیدنظر: در این پرونده، تجدیدنظرخواهی خانم ص. و. نسبت به دادنامه شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر ری بررسی شد. دادگاه تجدیدنظر با تأکید بر موازین قانونی، حکم تبرئه آقای الف. ح. از اتهام ضرب و جرح عمدی نسبت به فرزندش آقای م. ح. ک. را صحیح دانسته و آن را مخدوش ندانسته است. همچنین، محکومیت آقای الف. ح. به پرداخت چهار درصد ارش از دیه کامل بابت ضرب و جرح عمدی نسبت به خانم ص. و. نیز طبق ماده ۴۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است. بنابراین، دادگاه تجدیدنظر حکم صادره را تأیید کرده و رأی را قطعی اعلام کرده است. رئیس شعبه ۵۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه (سامانه آرای قضایی)

از منظر نویسندگان فرزند به دلیل نیت تربیتی و پدر بودن می توان گفت اعمال پدر نسبت به فرزند در حد تربیت جرم نیست ولی چنانکه پدر در مظان اتهام قرار گیرد قیّم اتفاقی می تواند شکایت کند. وروایتی است از پیامبر (ص) به امام علی (ع) که تادیب کودک بیش از سه ضربه زدن قصاص دارد

در این پرونده، آقای س. ب. ح. به اتهام کودک‌آزاری (اذیت و آزار جسمی و روحی کودک) و ارتکاب عمل منافی عفت مورد محاکمه قرار گرفته است. متهم در لحظه وقوع حادثه در حال درست کردن شلوار خود بود که شلوار از پایش درآمد و در این لحظه، فرزند خردسالش شاهد این حادثه بود. با توجه به اظهارات متهم و کودک، دادگاه این عمل را بر خلاف عفت دانسته و بزهکاری متهم را محرز تشخیص داد. بر اساس مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات، دادگاه متهم را به شش ماه حبس تعزیری و ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم کرد. رأی صادره غیابی بوده و قابل واخواهی و تجدیدنظر است. دادرش شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری شهریار - امین نیکومنظری

رای دادگاه بدوی: در این پرونده، آقای س. ب. ح. به اتهام کودک‌آزاری و ارتکاب عمل منافی عفت به محاکمه کشیده شده است. حادثه زمانی رخ داد که او در حال درست کردن شلوار خود بود و شلوار از پایش درآمد که فرزند خردسالش شاهد این اتفاق بود. دادگاه با استناد به اظهارات متهم و کودک، عمل او را خلاف عفت دانسته و مجرمیت وی را تأیید کرده است. بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و قانون تعزیرات، دادگاه متهم را به شش ماه حبس تعزیری و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کرده است. این حکم غیابی صادر شده و امکان واخواهی و تجدیدنظر وجود دارد. دادرش شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری شهریار - امین نیکومنظری

از منظر نویسندگان رای صادره به والدین اجازه تادیب را در قانون اشاره نموده ولی از نظر حدود عرفی که اشاره شده میزان عرف را قاضی چگونه تعیین کند به آن اشاره نشده که با توجه به جوامع مختلف نوع تادیب عرفی متفاوت می باشد

رای دادگاه تجدیدنظر استان: در این پرونده، تجدیدنظرخواهی آقای ش. الف. به وکالت از آقای س. ب. ح. نسبت به دادنامه شماره ۵۰۱۶۲۷-۹۴ مورخ ۳/۱۱/۹۴ بررسی شد. دادگاه بدوی آقای س. ب. ح. را به اتهام کودک‌آزاری و ارتکاب عمل منافی عفت به شش ماه حبس تعزیری و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کرده بود. دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که تجدیدنظرخواهی هیچ ایراد مؤثر شکلی یا ماهیتی نداشته و دادنامه بدوی مطابق با موازین قانونی است. تنها تغییر ایجاد شده، تبدیل مجازات حبس به پرداخت ۱۸ میلیون ریال جزای نقدی بر اساس ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی بود، زیرا مجازات حبس کمتر از شش ماه بود و متهم فاقد سابقه کیفری بود. در نهایت، دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را تأیید و آن را قطعی اعلام کرد. صادق جعفری شهنی - محمدحسن شیخی پور (سامانه آرای قضایی)

در این پرونده، آقای س.ب.ج. به اتهام کودک‌آزاری و ارتکاب عمل منافی عفت نسبت به فرزند خود تحت پیگرد قرار گرفت. دادگاه بدوی وی را به ۶ ماه حبس تعزیری و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کرد. در دادگاه تجدیدنظر، با وجود ایرادات مطرح شده توسط وکیل متهم، حکم بدوی تأیید شد و تنها مجازات حبس به جزای نقدی ۱۸ میلیون ریال تبدیل شد. این تصمیم مطابق با ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی بود، اما استفاده از مجازات‌های جایگزین برای جرم‌هایی با حبس کمتر از شش ماه می‌تواند جای بحث داشته باشد.

دادگاه تجدیدنظر پس از بررسی دفاعیات، حکم بدوی را تأیید کرد اما مجازات حبس شش ماهه را به جزای نقدی ۱۸ میلیون ریال تغییر داد، که با سیاست مجازات‌های جایگزین سازگار است. با این حال، این تصمیم در جرایمی مانند کودک‌آزاری و اعمال منافی عفت ممکن است از نظر بازدارندگی کافی نباشد و نگرانی‌هایی ایجاد کند. این پرونده بر اهمیت حمایت از حقوق کودکان و ضرورت تشدید مجازات در جرایم خشونت‌آمیز علیه آن‌ها تأکید می‌کند و همچنین نیاز به آموزش قضات درباره اثرات روانی چنین جرایمی بر کودکان را برجسته می‌سازد با توجه حضانت کودک توسط والدین و یک حق قانونی بشمار می‌رود و بیشتر ناظر به حفظ جسم و جان کودک است و از منظر نویسنده علاوه بر جسم و جان کودک تعلیم و تربیت و همچنین پرورش روحی و معنوی کودک هم تاثیر دارد با توجه به شرایط والد طفل و عدم تکرار جرم، می‌توان جرم والده را تبدیل به مجازات مساعد به حال والده نمود و در صورت لزوم دوباره حضانت را به والده سپرد.

در بسیاری از کشورها، رویه قضایی نیز نقش بسزایی در شکل دادن به تفسیر قوانین مربوط به تأدیب والدین داشته است. به عنوان مثال، در پرونده بریتانیایی (۱۸۶۰) "Regina v. Hopley"، دادگاه حکم داد که تنبیه بدنی تنها در صورتی مجاز است که «معقول» باشد و آسیب جدی به بار نیاورد. این حکم مبنای بسیاری از تصمیمات بعدی دادگاه بریتانیا شد که به تدریج دامنه تنبیه بدنی را محدود کرد.

در ایالات متحده، پرونده (۲۰۱۵) "Commonwealth v. Dorvil" در ایالت ماساچوست حکم داد که والدین می‌توانند از تنبیه محدود و غیر خشونت‌آمیز استفاده کنند، اما هر مجازاتی که باعث آسیب جسمی یا روحی به کودک شود جرم است. این تصمیم در ایجاد استانداردهای جدید برای حمایت از حقوق کودکان در ایالت مؤثر بود.

در کانادا، پرونده (۲۰۰۴) "Canadian Foundation for Children, Youth and the Law v. Canada" باعث شد که دادگاه عالی کانادا بخشی از قانون کیفری را که تنبیه بدنی کودکان را مجاز می‌دانست، بررسی کند. در این حکم دادگاه آمده است که والدین تنها در صورتی مجاز به استفاده از تنبیه بدنی هستند که این عمل خفیف باشد و آسیب جدی به کودک وارد نکند. این پرونده یکی از مهم‌ترین تصمیمات قضایی در محدودیت تنبیه بدنی در کانادا محسوب می‌شود.

بررسی این تصمیمات نشان می‌دهد که کشورهای مختلف، حتی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، به تدریج محدودیت‌های شدیدتری را برای تنبیه بدنی کودکان اعمال کرده‌اند. در حالی که برخی دادگاه‌ها هنوز به والدین اجازه می‌دهند تا از تأدیب محدود استفاده کنند، بسیاری از کشورها به سمت ممنوعیت کامل آن حرکت می‌کنند. این روند می‌تواند الگویی برای اصلاح قوانین و رویه‌های حقوقی در ایران باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مبانی تأدیب و محافظت از صغار و مجانین از منظر عرف، شرع و قانون انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که در این سه حوزه، انگیزه اصلی، حمایت خیرخواهانه از اعضای آسیب‌پذیر خانواده است و والدین برای تربیت و محافظت از صغار و مجانین، اختیارات ویژه‌ای دارند. در خصوص شرایط تأدیب، تحقیق بیان می‌کند که اقدامات تربیتی باید در حد متعارف و شرعی باشد؛ در غیر این صورت، والدین مسئولیت کیفری خواهند داشت. در ایران، حدود مجاز تأدیب به صورت دقیق مشخص

نشده و نبود شفافیت در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی باعث تفاسیر متفاوت در دادگاه‌ها شده و احتمال سوءاستفاده و کودک‌آزاری تحت عنوان تادیب وجود دارد.

در حالی که بسیاری از کشورها، به ویژه در اروپا و آمریکای شمالی، اصلاحات گسترده‌ای انجام داده و تنبیه بدنی کودکان را به طور کامل ممنوع کرده‌اند، ایران همچنان با چالش‌های قانونی روبروست. در سوئد، فرانسه و آلمان، تنبیه بدنی غیرقانونی اعلام شده و برنامه‌های حمایتی برای ترویج روش‌های تربیتی جایگزین در حال اجراست. در مقابل، در برخی کشورهای اسلامی مانند مصر و قطر، تنبیه بدنی در شرایط خاصی مجاز اما تحت مقررات سختگیرانه برای جلوگیری از سوءاستفاده انجام می‌شود. تحلیل تطبیقی این پژوهش نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی مختلف بسته به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خود حدود متفاوتی برای تادیب والدین قائل شده‌اند. در کشورهای غربی، ممنوعیت کامل تنبیه بدنی باعث حمایت بهتر از حقوق کودکان و تغییر رویکردهای فرزندپروری شده است. در مقابل، برخی کشورهای اسلامی با پذیرش مشروط تنبیه، سعی در حفظ اقتدار والدین در چارچوب محدود دارند. این مقایسه نشان می‌دهد که تنظیم دقیق اقتدار والدین باید همسو با ارزش‌های فرهنگی جامعه و در عین حال حمایت‌کننده از حقوق کودک باشد.

پژوهش بر ضرورت بهره‌گیری ایران از تجربیات سایر کشورها برای تعریف روشن «حد متعارف» تأکید دارد تا از تفسیرهای متناقض در دادگاه‌ها جلوگیری شود. همچنین یافته‌ها تأکید دارند که درک دقیق حقوق والدین در یک زمینه جهانی و تنظیم مناسب این حقوق و محدودیت‌ها می‌تواند مستقیماً به کاهش کودک‌آزاری، بهبود شیوه‌های فرزندپروری و افزایش آگاهی عمومی منجر شود. در نهایت، پژوهش خواستار اصلاح قوانین داخلی ایران در راستای تحولات جهانی است تا چارچوب حقوقی شفاف‌ی ایجاد شود که هم اقتدار والدین و هم حقوق کودکان را در کنار هم حفظ کند.

پیشنهادهای

بررسی تطبیقی قوانین و تجربیات سایر کشورها نشان می‌دهد که ایران نیز می‌تواند با اعمال اصلاحات در نظام حقوقی خود با حفظ اختیارات والدین از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند. بر این اساس، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. تعیین ضوابط روشن برای «حد متعارف» در تنبیه کودکان: عدم تعریف دقیق «حد متعارف» در حقوق ایران، موجب تفاسیر متفاوت و حتی در مواردی سوءاستفاده شده است. لازم است معیارهای مشخصی برای تمایز بین انضباط مجاز و رفتارهای تنبیهی مضر وضع شود تا قضات بتوانند به صورت واحد تصمیم‌گیری کنند.
۲. ممنوعیت صریح تنبیه بدنی شدید و جایگزینی آن با روش‌های فرزندپروری مثبت: همان‌طور که در بسیاری از کشورها اجرا شده است، ایران نیز می‌تواند با ممنوعیت تنبیه شدید، والدین را به استفاده از روش‌های تربیتی جایگزین تشویق کند. این اقدام می‌تواند از کودک‌آزاری تحت عنوان انضباط جلوگیری کند.
۳. اجرای برنامه‌های آموزشی برای والدین: تجربه کشورهای غربی نشان داده است که آموزش روش‌های تربیتی جایگزین به والدین، میزان وابستگی به تنبیه بدنی را کاهش می‌دهد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی برای خانواده‌ها در نظر گرفته شود تا والدین با روش‌های موثرتر و کم‌خطرتر برای تربیت فرزندان آشنا شوند.
۴. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل برای ارزیابی موارد کودک‌آزاری: کشورهای پیشرو در این زمینه نهادهای مستقلی را برای رسیدگی به تخلفات والدین در زمینه انضباط کودکان ایجاد کرده‌اند. پیشنهاد می‌شود سیستم‌های نظارتی ویژه‌ای در ایران برای ارزیابی، گزارش و بررسی موارد مجازات‌های غیرمجاز طراحی شود.
۵. همسویی قوانین ایران با استانداردهای بین‌المللی: با در نظر گرفتن کنوانسیون حقوق کودک و قوانین بین‌المللی، پیشنهاد می‌شود ایران نیز قوانین خود را به منظور حمایت از حقوق کودکان و جلوگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز تنظیم کند. البته در این راستا ملاحظات فرهنگی و مذهبی جامعه ایران نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا قوانین جدید قابلیت اجرایی بیشتری داشته باشند.

این پیشنهادات می‌تواند منجر به ایجاد تعادل بین حقوق والدین و حمایت از کودک شود و از تفسیر نادرست قوانین موجود جلوگیری کند.

منابع

- اخلاقی، ا. (۱۳۸۷). تادیب کودک از نظر تربیت و فقه. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۲۳(۸)، ۶۳۷-۶۳۳.
- برهانی، م. (۱۳۹۰). گستره تنبیه بدنی اطفال توسط والدین از منظر قانون و فقه. *حقوق بشر*، ۲(۱۲)، ۳۸-۲۵.
- بهرامی احمدی، ح. و امینی، ح. (۱۳۹۴). مبادی و تحولات قانون مدنی کشورهای عربی. *آموزه‌های حقوقی گواه*، ۱(۱)، ۲۸-۷.
- بهنیا، ا. و عباسی، م. (۱۴۰۰). منبع تنبیه بدنی کودکان. تهران: نشر حقوقی.
- پوراسماعیلی، ع. و دوستی، ج. (۱۳۹۷). *تادیب اطفال طبیعی توسط والدین و گستره آن*. اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی.
- حائری، م. ص. (۱۳۷۸). *راه رشد در تادیب و تربیت کودکان*. قم: نشر دارالصادقین.
- حسینی‌زاده، م. (۱۳۸۹). تنبیه از دیدگاه اسلامی. *مجله حوزه و دانشگاه*، شماره ۱۴.
- خادم صادق، م. و قرمزی، م. (۱۳۹۵). *تنبیه کودکان از منظر حقوق اسلام*. دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی و اسلامی با تأکید بر پژوهش‌های نوین.
- رایجان اصلی، م. (۱۳۸۱). موقعیت اطفال بزه‌کار - بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۵، ۳۰-۳.
- رشیدپور، م. (۱۳۷۰). *روش‌های تربیتی*. تهران: نشر انجمن اولیاء و مربیان.
- زرگوش نسب، ع. و جلیلیان، ف. (۱۳۹۵). تنبیه کودک به منظور تربیت و تادیب از منظر احادیث. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۲(۲)، ۹۲-۷۷.
- زینل، ف. (۱۳۹۹). *تبیین تادیب کودکان در مواجهه با کج روی‌های رفتاری*. اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی.
- شاملی، ن. و اکبری، ا. (۱۳۹۰). بررسی حدود و ثغور تنبیه، تعزیر و تادیب کودک در فقه امامیه. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۷(۲۵)، ۹۸-۶۷.
- شاملی، ن.، علی اکبری بابوکانی، ا. و شاکری، م. (۱۳۹۰). بررسی حدود و ثغور تنبیه، تعزیر و تادیب کودک در فقه امامیه. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)*، ۷(۲۵)، ۹۸-۶۷.
- شفیعی، ش. و عارف، ط. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی تادیب کودکان از دیدگاه احکام اسلامی و قانون مجازات اسلامی. *فقه جزایی تطبیقی*، ۳، ۶۵-۵۵.
- صانعی، ا. (۱۳۹۸). بررسی فقهی قلمرو اجرای تعزیر و تادیب کودک. *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۱(۲۰)، ۲۲۲-۱۹۹.
- صفایی، ا. (۱۴۰۰). *حد و مرز قانونی تنبیه و تادیب کودکان توسط والدین در قوانین جزایی و مدنی ایران*. همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی.
- طاهری، د. (۱۳۹۷). *حدود حق تادیب اطفال توسط اولیای قانونی*. اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی.
- عبدالمکی، ع. (۱۳۹۷). *حدود حق تادیب اطفال توسط اولیای قانونی با نگاهی به فقه شیعه*. اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی.
- علمی، س. (۱۳۹۷). *بررسی حدود حق تادیب و تعزیر اطفال در فقه و حقوق اسلامی*. اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روان‌شناسی.

فرامرزنیا، د. و احمدی، س. (۱۳۹۵). بررسی تادیب و تنبیه دانش‌آموزان توسط معلمان در حقوق ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

قلفی، س. و نوبخت، ا. (۱۴۰۱). بررسی تدابیر پیشگیرانه تادیب و تنبیه کودکان توسط والدین از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه. *رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، ۱۲، ۷۹-۱۰۲.

موسوی اقدم، م.ا. و جعفری هرندی، م. (۱۳۹۹). جایگاه تادیب اطفال در نظام فقهی و تربیتی شیعه. *پژوهش‌های اخلاقی*، ۱۱ (۱)، ۲۷۰-۲۵۳.

میربمانی، س. ر. (۱۳۸۶). *راهکارهای تربیتی فرزندان*. تهران: نشر ولیعصر.

نکونام، و. (۱۳۸۸). مروری بر دیدگاه‌های فقهی در خصوص مسئولیت کیفری، تادیب و تنبیه اطفال. *مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان*.

نوری، م. ع. (۱۳۸۸). *قانون مدنی مصر*. تهران: نشر گنج دانش.

Canadian Foundation for Children, Youth and the Law v. Canada (Attorney General), [۲۰۰۴] ۱ S.C.R. ۷۶, ۲۰۰۴ SCC ۴. Retrieved from <https://www.canlii.org/en/ca/scc/doc/۲۰۰۴/۲۰۰۴scc۴/۲۰۰۴scc۴.html>

Commonwealth v. Dorvil, (۲۰۱۵). Retrieved from <https://law.justia.com/cases/massachusetts/supreme-court/۲۰۱۵/sjc-۱۱۷۳۸.html>

Durrant, J. E. (۱۹۹۶). The Swedish ban on corporal punishment: Its history and effects. In D. Frehsee, W. Horn, & K. Bussmann (Eds.), *Family violence against children: A challenge for society* (pp. ۱۹-۲۶). Berlin, Germany: Walter de Gruyter.

Durrant, J. E. (۱۹۹۶). The Swedish ban on corporal punishment: Its history and effects. *Prevention and Intervention in Childhood and Adolescence*, ۱۹-۲۶.

Durrant, J., & Ensom, R. (۲۰۱۲). Physical punishment of children: lessons from ۲۰ years of research. *CMAJ*, ۱۸۴(۱۲), ۱۳۷۳-۱۳۷۷.

Gershoff, E. T., & Grogan-Kaylor, A. (۲۰۱۶). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses. *Journal of family psychology*, ۳۰(۴), ۴۵۳.

Gurian, M., Stevens, K., Henley, P., & Trueman, T. (۲۰۱۱). *Boys and girls learn differently: A guide for teachers and parents*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.

Regina v. Hopley, (۱۸۶۰). Retrieved from <https://swarb.co.uk/regina-v-hopley-۱۸۶۰>

Sax, L. (۲۰۰۶). *Why gender matters: What parents and teachers need to know about the emerging science of sex differences*. New York, NY: Broadway Books.

Examining and explaining the legal scope and examples of parental discipline: a comparative study of Iranian law and international systems

Abstract

The purpose of this research is to investigate and analyze the legal scope and permissible examples of parental discipline in Iran and its compatibility with international legal systems. This study collects data with a descriptive-analytical approach and library method, and its findings show that in Iranian law, penal laws such as Article ۱۵۸ of the Islamic Penal Code give parents limited punishment for raising children, but due to ambiguity in the criteria "Conventional limit" and "child's interest", there are different interpretations of these permissible limits. These ambiguities may in some cases lead to violations of children's rights and violations of international law standards such as the Convention on the Rights of the Child. The results of the research showed that although disciplining parents is one of their rights to raise children, this right should be limited by the principles of human dignity and protection of children's rights. This research also emphasizes the need to review and clarify domestic laws to prevent the abuse of parental authority and protect children's rights more.

Keywords: parental discipline, children's rights, Islamic Penal Code, Convention on the Rights of the Child, conventional punishment.